

تصویری از قبه که روی سر قرار
می‌گیرد. مأخذ: کسرائیان و عرشی،
۱۳۷۰: ۱۷۳.



جستاری در مفاهیم نقوش سوزن دوزی ترکمانان گنبدکاووس

الهام ذباح* دکتر غلامعلی حاتم**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۲۹

چکیده

یکی از روش‌های حفظ و اشاعه فرهنگ ورود آن به مقولات هنری اعم از کاربردی یا تزیینی است. با تحلیل مهم‌ترین عناصر بصری تشکیل‌دهنده اثر هنری یعنی شکل و رنگ می‌توان بسیاری از عقاید خالق آن اثر و فرهنگ جامعه متعلق به آن را شناخت. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و به بررسی و مطالعه نقوش سوزن‌دوزی ترکمانان شهرستان گنبدکاووس می‌پردازد. گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی است. هدف از انجام تحقیق شناخت نقوش موجود در سوزن‌دوزی ترکمن، منشأ پیدایش آن‌ها، مفاهیم یا کاربردهای احتمالی آن‌هاست و بدین ترتیب تلاش می‌شود دریچه‌ای به اندیشه و آرای گذشتگان این قوم بگشاید. نتایج حاصل از بررسی صد نمونه نشان می‌دهد که شکل، رنگ و نحوه ترکیب‌بندی نقوش در چهار گروه جانوران، عناصر طبیعت و محیط پیرامون، عقاید و باورها، ابزار کار و ادوات جنگی قابل تقسیم‌بندی است. شکل برخی نقوش از عقاید و باورهای اجداد این قوم نشئت گرفته و برخی دیگر نیز برداشتی آزاد از موجودات و اشیای پیرامون آن‌ها بوده است.

واژگان کلیدی

ترکمن، نقش، سوزن‌دوزی، پوشاک، شکل، معنا.

*مدرس دانشگاه فنی و حرفه ای گنبدکاووس، شهر گنبدکاووس، استان گلستان (مسئول مکاتبات)

Email: elhamzabbah@yahoo.com

**استاد دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران، شهر تهران، استان تهران
Email: hatm.gholamali@gmail.com

مقدمه

کوچ‌نشینان از بزرگ‌ترین حافظان سنت و هنرهای سنتی‌اند. زبانی را که آنان برای بیان اندیشه‌ها و آرزوهایشان از طریق هنر برگزیده‌اند می‌توان زبان طبیعت نامید. کوچ‌نشینان به سبب تماس مداوم با عناصر طبیعی تمامی نقوش خود را از آن وام گرفته و چنان اجزای طبیعت را انتزاعی کرده‌اند که مناسب هر کارکردی باشد. در عین حال، باید اشاره کرد که هنر برگزیده این گروه هنری است که بیشتر جنبه کاربردی دارد تا زیبایی.

هنرمند عشایر با نگاهی هوشمندانه عناصر طبیعی را برمی‌گزیند و آن‌ها را مطابق نوق خود در دستانش شکل می‌دهد، اما نگاه دوگانه خوف و اشتیاق به طبیعت را نیز هرگز از یاد نبرده است. از همین روست که در هنرهای سنتی یافتن رد پای آمال و عقاید اقوام ممکن می‌کند.

اقوام ترکمن کوچ‌نشینانی هستند که امروزه در شمال شرق ایران سکنی گزیده‌اند. ایشان محصولات هنری متنوعی از جمله قالی، نمده، زیورآلات و سوزن‌دوزی را تولید می‌کنند. درخصوص قالی ترکمن پژوهش‌های زیادی صورت پذیرفته و در همین راستا نقوش و رنگ‌های قالی ترکمن نیز مطالعه شده است، اما درباره سوزن‌دوزی پژوهشی اختصاصی صورت پذیرفته است. از پژوهش‌های مربوط به فرش ترکمن می‌توان به کتاب *نیاز جان و فرش ترکمن* نوشته ذبیح‌الله بداعی، و دو کتاب تک‌مضمونی *فرش و نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه* نوشته علی حسوری اشاره کرد.

تحقیق حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و بخش اعظم گردآوری اطلاعات به‌شیوه میدانی صورت گرفته است. صد قطعه پوشاک اعم از شلوار زنانه، پیراهن زنانه، پیراهن بچه‌گانه، آنق (کلاه حلقه‌ای شکل زنان ترکمن که نشانه تأهل است)، کلاه مردانه (عرقچین) را به‌لحاظ شکل نقوش، رنگ‌های کاربردی و نحوه چیدمان بررسی نموده و در نهایت به تجزیه و تحلیل و پردازش نتایج پرداخته شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی است و بر مبنای دیده‌ها، شنیده‌ها، مکتوبات بسیار محدود و همچنین با مقایسه‌ای با نقوش فرش و نمده ترکمن صورت گرفته است. در نهایت نقوش، در چهار گروه جانوران، عناصر طبیعت و محیط پیرامون، عقاید و باورها، ابزار کار و ادوات جنگی گروه‌بندی شدند. این پژوهش در پی پاسخ به سه پرسش است: (۱) آیا این نقوش مفاهیم خاصی را دربردارند؟ (۲) منشأ شکل‌گیری نقوش سوزن‌دوزی ترکمن چیست؟ (۳) آیا می‌توان موجود اسطوره‌ای ترکمانان را در میان این نقوش یافت؟

هدف از انجام این تحقیق شناخت کامل نقوش سوزن‌دوزی ترکمانان است؛ همچنین تلاش می‌شود مفاهیم احتمالی نقوش و منابع الهام‌گیری جهت شکل‌دهی به نقوش را بیابد. مطالعه نقوش و ساختارهای هنری اقوام ایرانی با توجه به وسعت و تنوعی که دارند کاری بس دشوار است و

البته در راستای حفظ هویت فرهنگی که مهمترین عامل دوام و بقای یک ملت است ضروری می‌نماید.

مهاجرت عشایر ترکمن به ایران

«ترکمن‌ها که سابقاً از عشایر ایران بودند، قبیله‌هایی ترک هستند که هم‌اکنون در شمال ایران، شمال افغانستان و شرق دریای خزر در جمهوری‌های ترکمنستان و ازبکستان زندگی می‌کنند. قوم ترکمن که به دلیل معیشت شبانی و کوچندگی و هم‌چنین به دلیل پرورش گله‌های اسب تا مدتی تابع نوع معیشت خود بوده و از مکانی به مکان دیگر درحال حرکت بودند، سرانجام در مناطق ترکمنستان و ترکمن صحراسکنی گزیدند و این امر موجب ادامه بقای هرچه بهترشان شد. در این بین، دولت‌های ایران و روسیه تلاش‌های زیادی کردند تا آن‌ها را به اطاعت خود درآورند. در کنار این درگیری‌ها ایشان به‌تدریج در اواخر قرن دهم میلادی اسلام را پذیرفتند. با مسلمان شدن ترکمن‌ها تغییرات شگرفی در بین آن‌ها اتفاق افتاد، به‌طوری‌که برخی از سنت‌ها و نهادهای گذشته آنان سست و جای آن را قوانین و اعتقادات تازه (اسلامی) گرفت» (کلته، ۱۳۷۵: ۲-۱).

از میان طوایف ترکمن چند طایفه بزرگ در ایران ساکن‌اند:

(۱) یموت‌ها که خود به دو شاخه بزرگ آتابای و جعفربای تقسیم می‌شوند؛

(۲) گوکلان‌ها؛

(۳) نخورلی‌ها؛

(۴) تکه‌ها، که بیشتر آنان در ترکمنستان زندگی می‌کنند.

هنرهای سنتی ترکمن‌ها گرایش‌های متنوعی دارد که از میان آن‌ها دست‌بافته‌هایی چون قالی، پلاس، نمده، حصیر و پارچه‌های ابریشمی، همچنین فلزکاری و زیورآلات ایشان بیشتر رخ می‌نمایند. هر طایفه نیز نقشمایه‌ای یا زیوری یا پوششی خاص خود دارد که آن‌ها را از سایر طوایف متمایز می‌سازد. ترکمن‌های ساکن شهرستان گنبدکاووس به‌طور عمده از یموت‌ها و تکه‌ها هستند.

تاریخ قوم ترکمن از نظر اعتقادات دینی و مذهبی به دو دوره تقسیم می‌شود:

(۱) پیش از اسلام: ترکمن‌ها چون سایر گروه‌های آسیای میانه پیرو آیین شمنیسم بودند.

(۲) دوره اسلامی: ترکمن‌ها در اواخر قرن دهم و آغاز قرن یازدهم میلادی به‌تدریج به دین اسلام گرویدند. ترکمن‌های سلجوقی نخستین گروه از ترکمن‌ها بودند که مسلمان شدند. امروزه نه‌تنها ترکمن‌های ایران بلکه تمامی ترکمن‌های ساکن در آسیای مرکزی مسلمانان اهل سنت و معتقد هستند (عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۴: ۱۵۴).

پوشاک ترکمن

اگرچه پوشاک ترکمن‌ها با پوشاک سنتی اقوام دیگر آسیای میانه از جمله قزاق‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها شباهت‌هایی دارد،

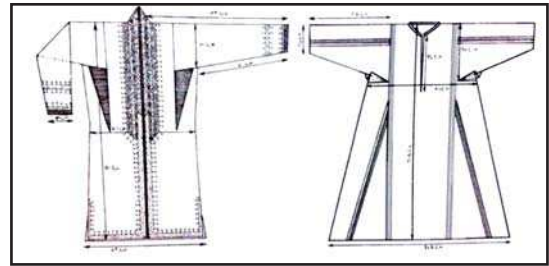
هستند. با این حال، بخش مشترک لباس سنتی زنان ترکمن در همه طوایف پیراهن، قبا، شلوار و چارقد است. کوینک (پیراهن): پیراهنی چهار فصل است که شکلی بسیار ساده دارد و با یقه گرد و چاک می شود (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۰۱).

دون (قبا): قبای زنان ترکمن در هر سن و سالی روپوش آستین دار جلو باز و گشادی است که پشتی یک تخته دارد و روی پیراهن پوشیده می شود (تصویر ۱). دون های عروسی، موسوم به «قرمزی دون» فقط از پارچه های سرخ رنگ که در خانه بافته می شود تهیه می شود. جنس پارچه این لباس به بضاعت افراد بستگی دارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۵۹).

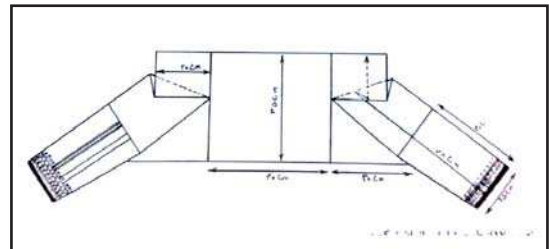
بالاق (شلوار): زنان و دختران ترکمن در گذشته در زیر پیراهن شلوارهای لیفه ای زیبایی می پوشیدند که میان ساقی گشاد داشت و در ناحیه ساق جمع و تنگ می شد و در لبه پایین به عرض سه تا ده سانتی متر سوزن دوزی می شد. این شلوار از تکه پارچه های رنگی با اجناس گوناگون دوخته می شد که بخش بالایی آن را از پارچه های محکم و بدون طرح انتخاب کرده و بخش پایینی شلوار را تا زانو که از زیر پیراهن نمایان می شد معمولاً از پارچه های خط دار قرمز و آبی رنگ ابریشمی می دوختند (تصویر ۲).

اگرچه اکثر لباس های ترکمن ها به مرور جایگاه خود را در میان ایشان از دست داده است اما بالاق اکنون نیز با همان اصالت گذشته جایگاهش را در فرهنگ و پوشش سنتی و اصیل زن ترکمن حفظ کرده است، با این تفاوت که سوزن دوزی پایین شلوارها بسیار باریک و حدود یک سانتی متر شده است. زیرا برخلاف پیراهن که سوزن دوزی یقه و سرآستین در آن الزامی نیست، شلوار زنانه بدون سوزن دوزی مفهومی ندارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۱؛ تصویر ۳).

پوشش سر بانوان در تمام جوامع متأثر از عوامل فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی است. در گذشته زنان و دختران ترکمن از انواع کلاه برای پوشش استفاده می کردند که امروزه در بین ترکمنان ساکن گنبدکاووس تنها آنق (کلاه حلقه ای شکل



تصویر ۱. طرح پیراهن (سمت راست) و قبای (سمت چپ) بانوان ترکمن، مأخذ: محمدی، ۱۳۸۸: ۶۸.



تصویر ۲. طرح شلوار بانوان ترکمن، مأخذ: همان: ۷۱

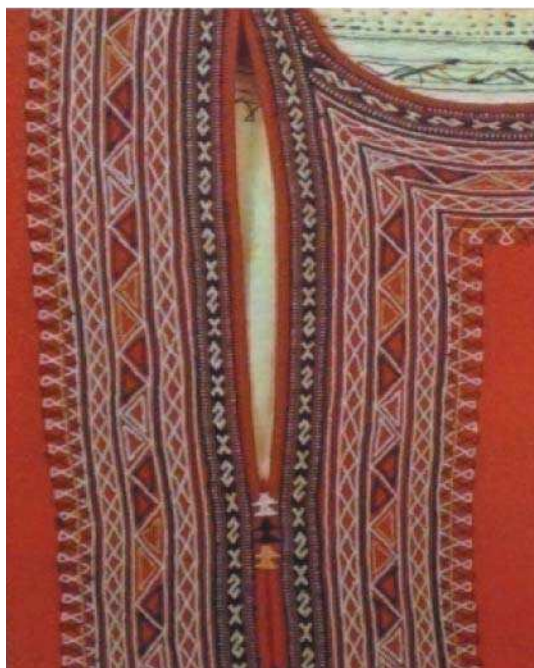
ویژگی های شاخص و متمایز خود را نیز حفظ کرده است. استفاده از لباس های اصیل ترکمنی مانند سایر قسمت های ایران بسیار محدود و بیشتر در مواردی مانند جشن های عروسی خلاصه می شود تا بدین ترتیب نمایشی از اصالت و شوکت قومی و قبیله ای باشد. پوشش امروزی زنان و مردان را لباس هایی مطابق با مد روز تشکیل می دهد که هم از نظر قیمت، سرعت در تهیه و آماده سازی لباس و هم از نظر آزادی عمل برای انجام امور روزانه مقرون به صرفه و راحت باشد. اما استفاد از پیراهن های بلند، چارقد (روسری های بزرگ از جنس پشم با ضخامت های مختلف متناسب فصول مختلف) و آنق نیز بسیار رایج است.

پوشاک سنتی و سربند زنان ترکمن

طوایف مختلف ترکمن پوشش و سنن خاص خود را دارا



تصویر ۳. نمونه هایی از نقوش سوزن دوزی بر دم پای شلوار بانوان ترکمن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. پیراهن مردان ترکمن که در قسمت دور یقه آن رودوزی شده است. مأخذ: Mejitova, 1990: 57

در ادبیات شفاهی و نغمه‌های زنان ترکمن مشخص می‌شود» (کلته و آق آتابای، ۱۳۸۲: ۱۰).

ترکمن‌ها برای پوشاک خود و تزیین آن از پارچه‌ها و نخ‌های با رنگ‌های گرم استفاده می‌کنند. طیف رنگ‌های سرخ بسیار مطلوب ایشان است. از لحاظ روان‌شناسی، کاربرد و انتخاب رنگ‌ها به روحیات افراد بستگی داشته و همچنین هر رنگ تأثیراتی خاص را بر بیننده اعمال می‌کند. رنگ‌های گرم که در چرخه رنگ تقریباً نیمه بالا را به خود اختصاص داده است شامل رنگ‌های قرمز، قرمز نارنجی، نارنجی و قرمزبنفش (زرشکی) است که البته هرکدام از آن‌ها خود طیف گسترده‌ای دارد. «رنگ قرمز سمبلی از خون غالب و شعله‌های آتش است. این رنگ یک محرک «آتش درون» است که گرمای ضروری برای ادامه حیات محسوب می‌شود. هم چنین رنگ قرمز از نظر سمبلیک مانند خونی است که هنگام فتح و پیروزی ریخته می‌شود و آتش را در روح آدمی شعله ور می‌سازد. رنگ قرمز اعصاب و خون را تحریک و با اثرات مضر سرما مبارزه می‌کند. هم چنین جهت رودوزی پوشاک خود نیز بیشتر از رنگ‌های قرمز، زرشکی، سورمه‌ای، سفید و مشکی استفاده می‌کنند» (خواجه پور، ۱۳۸۹: ۴۲).

امروزه با توجه به صرف زمان و هزینه بالا جهت تولید یا خرید صنایع دستی کاربرد و تولید سوزندوزی نیز محدود شده است. در گذشته از این نوع رودوزی برای تزیین پرده، جلد قرآن، بقچه و پوشاک زنان و مردان استفاده می‌شد، اما در حال حاضر سوزندوزی سنتی در پوشاک زنانه بیشتر از سایر موارد قابل مشاهده است. ابعاد سوزندوزی که بیشتر برای تزیین لبه شلوار زنانه

که ویژه زنان است) رواج دارد و روی آن روسری بزرگی به نام «چارقد» می‌اندازند. دختران نیز از روسری‌های مُد روز استفاده می‌کنند.

پوشاک مردان ترکمن

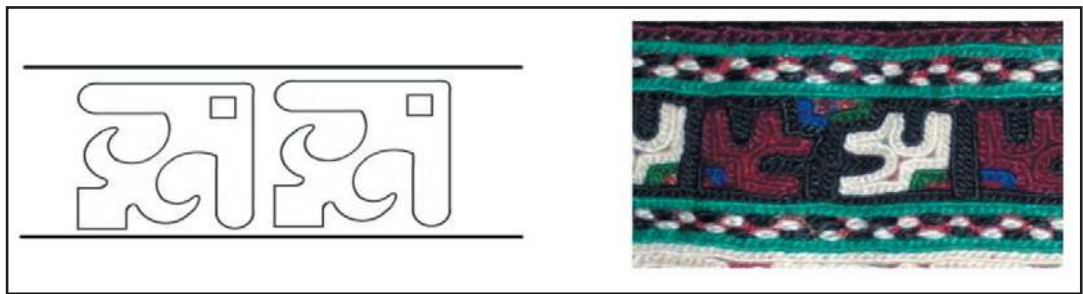
مردان ترکمن در شهر گنبدکاووس امروزه از پوشش‌های رسمی رایج استفاده می‌کنند، اما در گذشته استفاده از پیراهن‌ها و کت‌های رودوزی‌شده رواج داشته است (تصویر ۴).

سوزندوزی ترکمن

«سوزندوزی ترکمن که به آن سیاه‌دوزی نیز اطلاق می‌شود در بین ترکمن‌ها به «کشته» معروف بوده و در گذشته کاربردهای فراوانی داشته است. در جامعه سنتی ترکمن برای تزیین لباس مردان، زنان و کودکان و همچنین پرده‌ها نیز از سوزندوزی استفاده می‌شد ولی امروزه سوزندوزی به‌طور عمده در لباس زنان استفاده می‌شود. به‌ندرت طرح‌های ابتکاری جدیدی در سوزندوزی دیده می‌شود که هنوز عمومیت نیافته است. درباره تاریخ سوزندوزی ترکمن اطلاع دقیقی در دست نیست و برخلاف قالی که کاوش‌های پازیریک درباره آن اطلاعات ارزشمندی را فراهم آورده، زوایای تاریخی این هنر پنهان مانده است. اما ترکمانان از قدیم با تهیه ابریشم که ماده اصلی سوزندوزی است آشنایی داشته‌اند و دختران و زنان ترکمن لباس‌های خود را با نخ‌های ابریشمین که با رنگ‌های طبیعی محیط رنگریزی می‌شد سوزندوزی می‌کردند. این موضوع با دقت



تصویر ۵. ابعاد سوزن‌دوزی بسته به نوع کاربرد، نوع نقش و ارزش مادی آن متفاوت است. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. نقش تیرانا برون بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان

نقوش سوزن‌دوزی ترکمن را می‌توان بر اساس شکل ظاهر و عناصری که از آن الهام گرفته شده است در این گروه‌ها دسته‌بندی کرد: جانوران، عناصر طبیعت و محیط پیرامون، عقاید و باورها، ابزار کار و ادوات جنگی. در خلق این نقوش عقاید شمنیسم و توتمیسم، که مذاهب کهن ترکمانان بوده نقشی بسزا داشته است.

جانوران: ترکمانان برای امرار معاش و بهره‌گیری از حیوانات، اقدام به اهلی کردن بعضی از آنان کردند از جمله شتر، اسب، سگ. حیواناتی مانند قوچ و اردک نیز که قابلیت اهلی شدن ندارند به سبب قدرت، هیبت، تأمین نیازهای حیاتی و برخی عقاید قومی جنبه تقدس به خود گرفته‌اند. برخی از نقوش جانوران و حشرات موزی نیز در بافته‌ها و البسه محلی آنان به‌منظور مهار کردن یا دفع شر آن‌ها در محیط زندگی یا فضای آلاچیق به کار رفته است.

تیرانا برون: تیرانا لفظ ترکمنی ماهی اوزون برون، ماهی خاویاری دریای خزر است. این نماد برگرفته از شکل این ماهی است. طرح تیرانا برون روی کلاه و شلوار اجرا می‌شود (کلته و آق آتابای، ۱۳۸۲: ۲۲؛ تصویر ۶).

قوچوق (قوچاق): این واژه به معنی «شاخ قوچ» است. کاربرد این نقش با توتمیسم در ارتباط است. «قبایل کهن می‌پنداشتند که نیاکان آن‌ها به یک حیوان یا گیاه می‌رسند

و گاه دور یقه پیراهن کاربرد دارد، نسبت به نوع نقش و طرح به کاررفته متفاوت است؛ پهنای آن از ۲ تا ۸ سانتی‌متر متغیر است و به همان میزان که ابعاد و نقوش سوزن‌دوزی شده بیشتر می‌شود ارزش مادی و معنوی آن نیز افزایش می‌یابد (تصویر ۵).

خوشبختانه زنان ترکمن همچنان به شلوارها و آنق‌های سوزن‌دوزی شده علاقه‌مندند و یکی از اولین بخش‌های جهیزیه دختران همین شلوارهای سوزن‌دوزی شده است.

گروه‌بندی نقوش سوزن‌دوزی ترکمن

زبان هنر معمولاً علامت‌ها را به جای اشکال حقیقی می‌نشانند و چون غالباً تعداد علامت‌ها از تعداد اشیا و شکل‌های طبیعی کمتر است، هنر ناگزیر می‌کوشد تا به الگوسازی و قراردادی‌سازی بپردازد. به‌علت محدودیت علامت‌های قراردادی نسبت به جهان واقع، حتی خودانگیزترین و صادقانه‌ترین هنر برای القای هر اندیشه و احساس و تأثیرگذاری از علامتی خاص استفاده نمی‌کند، بلکه از نوعی «واژه‌نامه» متناسب با طبیعت هر هنر بهره می‌گیرد که در آن اغلب یک اصطلاح، نماد، نشانه، تصویر یا عنصر واحد، برای چندین مفهوم متفاوت به کار برده می‌شود. هر دوره تاریخی، هر نسل و تقریباً هر هنرمند، واژه‌نامه‌های خاص خود را دارد که برای نمایاندن مقصود از نماد و نشانه و روش و وسیله نمایش خاص آن بهره می‌گیرد. (گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۷).



تصاویر ۷-۱۰. نقش‌های متفاوت قوچوق (بر لبه شلوار و آئق زنان ترکمن) و طراحی آن‌ها. مأخذ: همان

عقاید و باورها: ترکمانان نیز همچون سایر اقوام ایرانی آداب و رسوم و عقاید خاص خود را دارند که آن را از گذشتگان به ارث برده و در راه حفظ آن بسیار تلاش می‌کنند.

دورت‌گون: به معنی چهار چشم است و برای چشم‌نظر به کار می‌رود. یکی از رایج‌ترین اشیا برای چشم‌نظر شاخ قوچ و گاو است. اما برخی از این لوازم قابلیت حمل دائم و همراهی همیشگی با صاحبان خود را ندارد. بنابراین، نقوشی روی پوشاک به کار می‌رود که همیشه و در همه حال به همراه فرد است و به صورت سوزن‌دوزی زینت‌بخش پوشاک شده است (تصویر ۱۲).

بورمه چگین: «در زبان ترکمنی بورمه به معنای بستن و چگین به معنای بازو است. زنان سالخورده ترکمن معتقدند زمانی که فردی دچار ضعف یا غش می‌شود باید بازوی او را با دستمال محکم بست تا خون به سمت بالای بدن جریان یابد. طرح «بورمه چگین» روی انتهای پاچه شلوار

که مقدس حافظ قبیله و حیات‌بخش است و امروزه آن را توتم می‌خوانند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۳۵). «اونقون پرستی» (توتیمیزم) در طوایف ترکمن تا قرون هفتم و هشتم هجری پا برجا ماند. اشکال اونقون‌ها را در نقش و نگارهای نم، گلیم، قالی و حتی سوزن‌دوزی‌ها و زیورآلات نیز می‌توان مشاهده کرد. شکل این نقش به منزله واسطه‌ای است که نوعی ارتباط روحی با نسل‌های گذشته برقرار می‌کند. با گذر زمان توتم‌ها به اسطوره‌های جوامع بدل شدند (افروغ، ۱۳۸۹: ۵۷). در بین طوایف ترکمن و در بخش وسیعی از آسیای مرکزی قوچ نشانۀ قدرت و نیرو و عقاب شکاری به نام «قره قوش» نشانۀ قدرت و سرعت است (تصاویر ۷-۱۰).

موی (عنکبوت): یکی از علل آفرینش این نقش می‌تواند توجه و نگاه ریزبینانه زنان هنرمند عشایر به ظرافت وجودی و در عین حال حضور همیشگی این حشره در میان اسباب و اثاثۀ ایل، چه در حال حرکت و چه هنگام اطراق، باشد (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱. موی نقش بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان



تصویر ۱۲. نقش دورتگوز بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان



تصویر ۱۳. دو شکل مختلف از بورمه چگین بر لبه شلوار و طراحی آن‌ها. مأخذ: همان

«گرمج» از طرح‌های معروف عالم است که نیاز محمد نیازی، استاد بافنده فرش ترکمن، آن را چنین تفسیر می‌کند: «گرمج، وسیله‌ای است که در اطراف جای چارپایان کشیده می‌شود» (غراوی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

درباره نقش عالم در قالی نیز برخی می‌گویند نقش دنده‌های قفسه سینه است. بافنده ترکمن با نقش کردن این شکل بر حاشیه اثر اعلام می‌دارد که وی برای بافت این زیرانداز زیبا از جان مایه گذاشته است (تصاویر ۱۴-۱۵).

اوی: در طراحی اوی نقش از شکل قبه الهام گرفته شده است. قبه زیوری شبیه به کلاه خود است. این اعتقاد وجود دارد که برخی از زنان ترکمن (چون ترکان خاتون) در جنگ‌ها شرکت داشته‌اند و برخی نیز در انتظار بازگشت مردان خانواده از جنگ بوده یا به یاد کشته‌شدگان این زیور را بر سر می‌نهادند که سمبل و یادآور جنگ است. این طرح در قالی و سوزن‌دوزی نیز نمود پیدا کرده است. نیاز محمد نیازی طرح قبه را برگرفته از آلاچیق (اوی) می‌داند و علت آن تقدس «اوی» در نزد ترکمنان است، چرا که همیشه و در همه حال با آنان بوده و بدین سبب آن را در سر خود جای می‌دهند (تصویر ۱۶-۱۸).

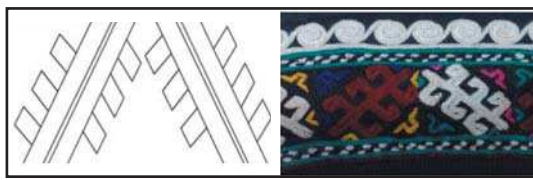
زنانه و کلاه زنانه دوخته می‌شود» (کلته و آق آتابای، ۱۳۸۲: ۲۱). ترکیب بندی نقوش به گونه‌ای است که هر نقش در یک خط تکرار می‌شود، و این خطوط یادآور سطور دست‌نوشته است. مشابه این ترکیب بندی را در قالی محرمان می‌توان یافت که تداعی کننده سطور کتاب دعا است. شاید این نقوش با حالتی دعاگونه به عنوان محافظ جان و مال صاحبان خود بوده است (تصویر ۱۳).

ابزارکار و ادوات جنگی: شکل اصلی زیورها غالباً برگرفته از ادوات جنگی چون سپر، کلاه خود، تیر و کمان، زره، شمشیر است که می‌توان به عنوان مثال گل یقه را شبیه سپر و قبه را شبیه کلاه خود دانست، چرا که اغلب زنان در جنگ‌ها حضور داشته یا در انتظار بازگشت همسرشان از میادین جنگ بوده‌اند.

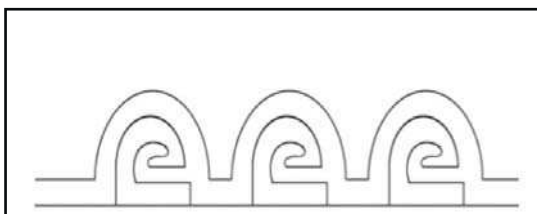
عالم: «این نقش از قالی ترکمن الهام گرفته شده است. نقش‌های عالم در قالی، بر حسب طوایف ترکمن تغییر می‌کنند و مشاهده می‌شود که در هر مورد نقش خاصی استفاده می‌شود. این نقوش از طرح‌های پیچیده گیاهی و هندسی و درختی گرفته تا نقوش ساده هندسی متغیرند. «گرمج» یا



تصویر ۱۵. دو نقش متفاوت از عالم نقش بر حاشیه قالی. مأخذ: همان



تصویر ۱۴. عالم نقش بر حاشیه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان



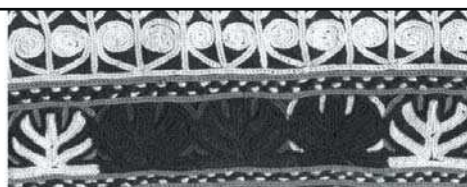
تصویر ۱۶. اوی نقش بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان



تصویر ۱۸. شکلی از قبه که روی سر قرار می‌گیرد. مأخذ: کسراتیان و عرشی، ۱۳۷۰: ۱۷۳.



تصویر ۱۷. نمایی از «اوی»، آلاچیق ترکمنی. مأخذ: محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۳



تصویر ۱۹. باغ نقش بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: نگارندگان.

تزئینات اسب و سایر وسایل زندگی نقش می‌زدند.

باغ: «این طرح در مناطقی که کشاورزی در آن رواج داشت بیشتر معمول بوده است و شکل ساده‌شده درخت را نشان می‌دهد» (کلته و آق آتابای، ۱۳۸۲: ۲۳). این نقش از جمله نقوشی است که به احتمال زیاد پیشینه کهنی نداشته و جدید است، زیرا زندگی یکجانشینی و پرورش و محافظت از درختان ایده خلق این نقش را به وجود آورده است (تصویر ۱۹).



تصویر ۲۰. یافرق نقش بر لبه شلوار و طراحی آن. مأخذ: همان

یافرق: همه اجزای طبیعت در دست آدمی به صورت انتزاعی درآمده و زینت‌بخش مصنوعات او شده است. یافرق به معنی «برگ» است (تصویر ۲۰).

عناصر طبیعت و محیط پیرامون: ترکمن‌های صحرائنشین هرچه را در طبیعت و محیط پیرامون می‌دیدند در ذهن خلاق خود به صورت ساده در قالب طرح درآورده و آن را در آثاری چون قالی و گلیم، زیورآلات، سوزن‌دوزی و حتی در



نتیجه

نقوش سوزن‌دوزی ترکمن را می‌توان بر اساس شکل ظاهر و عناصری که از آن الهام گرفته شده است در گروه‌های گوناگونی دسته‌بندی کرد: جانوران، عناصر طبیعت و محیط پیرامون، عقاید و باورها، ابزار کار و ادوات جنگی. برخی نقوش بر مبنای عقاید و باورهای قومی شکل گرفته است و بخشی نیز برداشتی انتزاعی از موجودات و اشیای پیرامون است. قوچ موجود اساطیری، که نمادی از قدرت است، تنها نقشی است که جنبه اسطوره‌ای دارد و شکل‌های متعددی از آن شکل گرفته است. رنگ‌های به‌کاررفته در پوشاک و سوزن‌دوزی ترکمانان به طور عمده رنگ‌های گرم و بیشتر طیف رنگ قرمز است. رنگ قرمز رنگ رشادت، دلاوری و مردانگی است و کاربرد آن در میان ترکمانان نوعی سنت است. نقوش سوزن‌دوزی به طور عمده شامل تکرار نقشی خاص است و تکرار یک نقش در راستای خطی یادآور صفحات دعا است. یعنی می‌توان به‌نوعی آن‌ها را دعاگونه و حافظ جان و مال صاحب آن دانست. چنانچه کاربرد این هنر در پوشاک به همّت زنان این قوم تداوم نیافته بود، این هنر به فراموشی سپرده می‌شد.

منابع و مآخذ:

- افروغ، محمد. ۱۳۸۹. *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: جمال هنر.
- الیاده، میرچاد. ۱۳۹۲. *شمنیسم فنون کهنه خلسه*. ترجمه محمدکاظم مهاجری. تهران: ادیان.
- خواجه پور، میلاد، و دیگران. ۱۳۸۹. *رنگ روان‌شناسی زندگی*. تهران: سبزان.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۳. *نقد ادبی*. تهران: فردوس.
- ضیاءپور، جلیل. ۱۳۴۶. *پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاییان ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- عسگری خانقاه، اصغر، و شریف‌کمالی، محمد. ۱۳۷۴. *ایرانیان ترکمن*. تهران: اساطیر.
- کسراییان، نصرالله و عرشی، زیبا. ۱۳۷۰. *ترکمن‌های ایران*. تهران: کسراییان.
- کلته، ابراهیم. ۱۳۷۵. *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن*. گنبدکاووس: حاجی طلایی.
- کلته، ابراهیم و آق‌آتابای، مریم. ۱۳۸۲. *سوزن‌دوزی ترکمن*. گرگان: ایل آرمان.
- گودرزی (دیباچ)، مرتضی. ۱۳۷۸. *روش تجزیه و تحلیل آثار هنری*، (ج ۱: آثار کلاسیک). تهران: عطایی.
- محمدی، رامونا. ۱۳۸۸. *پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن*. تهران: جمال هنر.
- پیان غراوی، زهره. ۱۳۸۷. *ریشه‌یابی عناصر تصویری در صنایع‌دستی استان گلستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- Medzhitova, Elmira. 1990. *Turkmen Folk Art*. Eshgh Abad (Turkmenistan).

Research in the Meaning of Turkmen Needlework Patterns in GonbadKavous

Elham Zabbah, Lecturer of Technical and Vocational University , Gonbad-e Kavus, Iran.

Gholam ali Hatam, PH.D, Professor, Art University, Tehran, Iran.

Recieved: 2012/3/28 Accepted: 2014/10/21



Ethnic culture is a set of customs, traditions, beliefs and thoughts that belong to an ethnic group. One method for preservation and dissemination of culture is its entrance into the artistic issues whether decorative or applied.

Through the analysis of the most important constituent visual elements of a work of art, i.e. form and color, one can recognize a lot about its creator's beliefs, and the culture of that society. This paper is conducted using analytic-descriptive method and explores and studies the Turkmen needlework designs in Gonbad Kavous city.

Data is collected using field research and published material. The data analysis method is qualitative. The aim of conducting and presenting this paper is to identify the patterns in Turkmen needlework, their origin, their concepts or possible applications, and thus it endeavors to open a window into the thoughts and opinions of the ancients of this people. The results of studying 100 samples indicate that form, color, and the way motifs are composed may be categorized in four groups of animals, elements of nature and surrounding environment, thoughts and beliefs, tools and implements of war. The forms of some of the motifs are derived from the beliefs of this people's ancestors and others are impressions of creatures and objects surrounding them.

Key words: Turkmen, Motif, Needlework, Clothes, Form, Meaning.